

● از خشت اول نیتیم ساختن خانه خدا بود

متر از بیشتر خانه‌های خیابان شاملو ۲۰۷ متر است. اهالی از سال ۸۷ به بعد، مسجدی با همین مساحت داشتند که تقریباً دوسوم آن زیر بنا بوده است. وقتی با صاحب احسن، جانباز ۷۰ درصد جنگ صحبت می‌کنم، متوجه می‌شوم او از همان ابتدا نیتش این بوده است که خانه را وقف مسجد کند؛ نشان به آن نشان که حال و پذیرایی خانه‌اش را به صورت یکدست و بدون ستون می‌سازد تا برای برگزاری مراسم و نماز مناسب باشد. آقا صاحب که برادر شهید محمد حسین احسن، فرزند شهید حاج علی احسن و برادر جانباز قاسم احسن است، درباره این خانه می‌گوید: خشت خشت آن را خودم بنا کردم. با هر آجری که می‌گذاشتم، آیه ۱۲۷ سوره بقره را بر زبان جاری می‌کردم. همان طور که حضرت اسماعیل و ابراهیم مسجد الحرام را بنا می‌کردند، من هم به پیروی از آنان بنایت این‌که این‌جا خانه خدا باشد، زیر بنا را بدون ستون و به صورت یکسره ساختم، طوری که برای برگزاری نماز و مراسم مذهبی مناسب باشد. او که در عملیات دفاع از خرمشهر، درست یک روز قبل از سقوط این شهر در تاریخ سوم آبان ۵۸ از ناحیه دو پا و قسمت‌های داخلی شکم مجروح شده است، می‌گوید گاهی افرادی به او مراجعه می‌کردند و می‌گفتند که این ملک را به خیریه‌ها بخش، به جای اینکه به مسجد تبدیل کنی، اما درست همان موقع که چند نفر برای عوض کردن نظرش با او صحبت می‌کردند، خودش به مشهد می‌آید و از نزدیک شور و اشتیاق مردم این محله را برای برگزاری مراسم دهه اول محرم می‌بیند. متوجه می‌شود که داشتن یک مکان مذهبی از اصلی‌ترین نیازهای مردم این محله است؛ زیرا تعداد زیادی جوان و نوجوان در اینجا زندگی می‌کنند و باید برای آن‌ها زمینه برگزاری مراسم مذهبی وجود داشته باشد. احسن می‌گوید: وقتی استقبال مردم را دیدم درنگ نکردم. کلید خانه را به معتمدان محل دادم و گفتم فضای مذهبی محله را پویا تر کنند. خیلی زود برای وقف هم اقدام کردم تا مبادا حرف و حدیث‌ها مرا از این کار منصرف کند.

● پدر شهید دیوارهای مسجد را رنگ کرد

وقتی احسن این خانه را وقف مسجد کرد، مرحوم علی دهنوی، پدر شهید حمیدرضا دهنوی، تیشه در دست گرفت و دیوار اتاق‌ها را هم برداشت تا فضای مسجد کاملاً یکدست شود. خدا بی‌امر حاج علی دهنوی از کودکی بنایی می‌کرد؛ تمام سقف رانیز گچ بری و در دیوار رنگ آمیزی کرد. همه اهالی دست به دست هم داده بودند تا مسجد محله‌شان را بسازند. آن‌ها بعد از مدتی، بخشی از حیاط را هم مسقف کردند تا مسجد بزرگ‌تر شود. سید عزیز خطیبی، امام جماعت مسجد و اهالی همین محله، که از همان سال اول در کنار هیئت‌امنا حضور داشته است، می‌گوید: بعد از چهار سال احساس کردیم ۲۰۷ متر خانه‌ای که وقف شده است، برای این جمعیتی که هر روز از نمازهای جماعت و فعالیت‌های فرهنگی مسجد استقبال می‌کنند، کم است. تصمیم گرفتیم با کمک اهالی، یکی از خانه‌های اطراف مسجد را بخریم. یک طرف مسجد، خانه سید مرحومی بود. آن خانه دست‌ورته افتاده بود و نمی‌شد خیلی زود برای تملک آن به نتیجه رسید. سمت دیگر خانه مرحوم جانباز قاسم صفری بود که خانواده‌اش تصمیم داشتند خانه را بفروشند. با اهالی مطرح کردیم که هر کس یک سهم یک میلیون تومانی از این خانه را بخرد، در مسجد یک متر سهم دارد.

● نفری یک متر از بهشت

پیشنهاد مشارکت در مسجد ایده خیلی خوبی بود و اهالی از آن استقبال کردند. حدود ۵۰ میلیون تومان جمع شد. اما قیمت خانه جانباز صفری حدود ۴۴۰ میلیون تومان بوده است و فراهم کردن مقداری که کم داشتند، کار آسانی نبود. در همان ایام یک اتفاق خاص دیگر نیز رخ می‌دهد که برای نمازگزاران مسجد صاحب الزمان (عج) بیشتر شبیه معجزه بوده است. حاج آقا خطیبی درباره دومین وقف این مسجد می‌گوید: در همان سال، پاسدار گران قدری به نام مرحوم محمد حسین یعقوبیان که به مسجد می‌آمد، از دنیا رفت و همسر وی از ما خواست که وصیت نامه را روی منبر بخوانیم. آنجا متوجه شدیم که ایشان ثلث اموالشان را برای گسترش مسجد صاحب الزمان (عج) وقف کرده‌اند. با همکاری همسر مرحوم یعقوبی مبلغ ۲۲۰ میلیون تومان به مسجد هدیه شد؛ برای فراهم کردن مابقی هزینه خرید منزل آقای صفری هم حدود صد نفر از اهالی، پول‌هایشان را روی هم گذاشتند و بدین ترتیب ۲۰۷ متر خانه کناری را به مبلغ ۴۴۰ میلیون تومان خریدیم. از همان زمان مسجد صاحب الزمان (عج) به همه اهالی شهرک آزادگان تعلق دارد.

● مهر بهام را برای گسترش مسجد بخشیدم

باشنیدن روایت وصیت نامه مرحوم یعقوبیان که یک سوم از اموالش را وقف مسجد کرده بود، ترغیب می‌شویم با همسر وی صحبت کنیم. بانو فاطمه آخوندزاده که در ۲۷ سال زندگی مشترک با مرحوم یعقوبیان فرزند بی‌نا داشته است، بعد از فوتش به وصیت نامه او عمل می‌کند و یک سوم از اموال را می‌بخشد. البته غیر از او، خواهرهای مرحوم هم وارث بوده‌اند و باید آن‌ها را هم در جریان وصیت برادرشان قرار می‌داده‌است. فاطمه آخوندزاده که طبق وصیت همسر مرحومش بخشی از خانه بزرگشان در خیابان شاملو را به مسجد بخشیده است و این روزها در خانه کوچکی در محدوده میدان نمایشگاه بین‌المللی روزگار می‌گذراند، می‌گوید: همسر مرحوم یک سپاهی مؤمن واقعی بود. قبل از فوتش با من این قضیه را مطرح کرد که می‌خواهد بخشی از اموالش را به مسجد محله ببخشد. من هم از این باقیات الصالحات راضی بودم و مهریه ام را به او بخشیدم تا بتوانم در این کار خیر شریک باشم. سال ۹۱ بود. هنوز هفتم همسر من نشده بود که متوجه شدم هیئت امنای برای خرید خانه کنار مسجد پول لازم دارند. نزد امام جماعت رفتم و خواستم وصیت نامه را روی منبر بخوانند تا همه اهالی محل در جریان بگیرند. در نهایت توانستیم نصف مبلغ خرید خانه کنار مسجد را هدیه کنیم.

● خانم‌های محل خادمان مسجد هستند

اهالی محل دو خانه کنار هم را یکی کردند و بدین ترتیب مسجد صاحب الزمان (عج) گسترش پیدا کرد. یک خانه را برای آقایان و یکی را برای بانوان در نظر گرفتند. یک نیم طبقه در طبقه بالا ساخته شد که آن را برای پایگاه بسیج در نظر گرفتند. حسین فنایی که از ابتدا مسئولیت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد پای کار است، راوی جنگ است و از همان ابتدا جوانان بسیاری را در پایگاه بسیج این مسجد پای کار آورده است. او می‌گوید: مسجد صاحب الزمان (عج) در سال‌های اخیر، مهم‌ترین پایگاه بعد از آورده است. اگر اهالی اختلافی داشته باشند، در ماه مبارک رمضان هر شب برنامه محله بوده است. نماز دور هم جمع می‌شوند تا مشکل را برطرف کنند. در ماه مبارک رمضان هر شب برنامه افطاری ساده‌ای برپا می‌شود که بیشتر حاصل تلاش بانوان محله است. او می‌افزاید: شب‌های قدر هر سال اینجاست که تا سحر و... همچنین در این مسجد، در شب‌ها و دعای جوئین کبیر، قرآن به سرگرفتن تا سحر و... همچنین در این مسجد، در شب‌ها و روزهای محرم جای سوزن‌انداختن نیست و قرائت زیارت عاشورا، سخنرانی، مقتل خوانی و سینه زنی از جمله برنامه‌های این شب‌هاست. فنایی به موضوع مهمی اشاره می‌کند: او می‌گوید: سعی کرده‌ایم انگیزه حضور جوانان در مسجد را پررنگ کنیم. باعث افتخار است که بگوئیم نماز صبح جوانان در مسجد را برگزار می‌شود. این مسجد در تهیه جهیزیه و مسجد صاحب الزمان (عج) با حضور بیش از سی تا چهل نوجوان و جوان محله برگزار می‌شود. این مسجد در فعال است و تاکنون موضوع ازدواج آسان هم بسیار فعال است. در سی زوج جوان را به خانه بخت فرستاده است. در ضمن اینجاست که هم‌نظران را به خانه بخت فرستاده است. در همگی هر هفته می‌آیند و خودشان نظافت و رسیدگی به مسجد را به عهده می‌گیرند.

